



# انترناسیونال ۳۷۸

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۹ آذر ۱۳۸۹، ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

## دروء به شما دانشجویان مبارز در سراسر کشور



امروز علی‌رغم همه تمهیدات جمهوری اسلامی برای ممانعت از تجمعات شانزده آذر، هزاران نفر از شما در نزدیک به بیست دانشگاه در تهران و شهرهای مختلف قهرمانانه تجمع کردید، شعار دادید و سرود خواندید و تلاش های

صفحه ۶

## کمدی "نیمه هدفمند کردن"

یارانه ها



کاظم نیکخواه

سال گذشته در همین نشریه طرح کذایی هدفمند کردن یارانه ها را "طرحی از پیش شکست خورده" اعلام کردیم و دلایل آنرا مشروح توضیح دادیم. همه چیز دارد این نظر را بطور کامل تایید میکند. طی این مدت هر بار اعلام کرده اند که این طرح در فلان ماه شروع خواهد شد و بعد يك ماه به تاخیر انداخته اند و باز هم يك ماه دیگر و بعد آماده باش و بحث و اختلاف و همه چیز جز آن طرح کذایی. آخرین خبر جالب اینست که سائیتی بنام سایت آینده از قول "يك منبع آگاه" بیان کرده است. و آن اینکه با نظر احمدی نژاد طرح هدفمند کردن یارانه ها به نیمه هدفمند کردن یارانه ها تغییر میکند! بگذارید خبر را از قول خود سایت دنبال کنیم: "يك منبع آگاه در گفتگو با "آینده" از تبدیل طرح هدفمندی یارانهها به طرح نیمه هدفمندی یارانهها خبر داد. به گزارش آینده این منبع درباره تغییرات صورت گرفته در طرح هدفمندی یارانهها گفت: تا توجه به اینکه اجرای این طرح در شرایط فعلی منجر به افزایش شدید قیمتها در حوزه عمومی خواهد شد، با نظر دکتر احمدی نژاد برای کنترل تورم، یارانهها کاملا هدفمند نشده و بخشی از یارانه های انرژی حفظ خواهد شد..."

هیچ چیز بیش از همین طرح کذایی یارانه ها نمیتواند بن بست و اغتشاش و سردرگمی جمهوری اسلامی را بازتاب دهد. شاید برای هیچکس بیش از احمدی نژاد و باند مربوطه اش این طرح جدی نباشد و شکست آن فاجعه بار نباشد. زیرا او عروج خود را مدیون این طرح است. او را آوردند که بتواند طلسم را بشکند.

صفحه ۲

## الله اکبر شعار ما مردم نیست

شهلا دانشفر

سراسری در همه دانشگاهها برپا داشتند و نشان دادند که چگونه قلب دانشگاه مثل همیشه بعنوان سنگر آزادی و برابری در التهاب و تپش است و این اتفاق به کل جامعه امید داد.

اما يك شعار در این روز که

صفحه ۲

شانزده آذر روزی پر از اعتراض و مبارزه را پشت سر گذاشتیم. زنده باد شانزده آذر، زنده باد دانشجویان و زنده باد مردم که این روز را در سطحی

## گفتگو با کیان آذر دبیر سازمان جوانان کمونیست

در مورد تجمعات و تظاهرات ۱۶ آذر

انترناسیونال: کیان آذر امسال هم شاهد این بودیم که در ۱۶ آذر در دانشگاههای مختلف تجمع و تظاهرات و اعتراضاتی برپا شد.

صفحه ۳

## دم و دستگاه سرکوب را در هم خواهیم شکست!

حسن صالحی

ارتش هم نفوذ و تاثیر خودش را داشته و گویا در میان ارتشیان عده ای از مقابله با مردمی که شبانه بر بام شعار سر می دادند امتناع می کردند- در مردادماه گذشته نیز فرمانده سپاه

صفحه ۳

اخیرا فرمانده ارتش جمهوری اسلامی، عطاء الله صالحی اعتراف کرد که به قول آنها فتنه یعنی اعتراضات میلیونی مردم حتی در

## بازتاب هفته

مذاکرات هسته ای با جمهوری اسلامی و ادامه کشمکش

بهرروز مهر آبادی

معمای حیات و کشف باکتریهای جدید

بهرروز مهر آبادی

جدال دولت انگلستان و جوانان بر سر شهریه دانشگاه

سهیلا شریفی

قتل شهلا و تقای مدافعان قتل عمد دولتی

یاشار سهنیدی

احمدی نژاد "بیکاری" را هم ریشه کن کرد!

غلام اکبری

صفحات ۵-۴

## صفحات دیگر

وضعیت رضا شهابی بسیار اضطراری است

از فراخوان خانواده رضا شهابی وسیعا حمایت کنیم  
کمپین برای آزادی کارگران زندانی، صفحه ۱۰

پرونده ای که بسته نشد!

سخنی با شهلا جاهد، صفحه ۱۲

۱۶ آذر "پر التهاب" و "برزنتی" کردن جامعه

هادی وقتی، صفحه ۱۱

تجمع اعتراضی کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان  
تجمع مجدد کارگران ریسندگی خاور رشت

صفحه ۹

حمایت مردم آزادیخواه استکھلم از مبارزات دانشجویان و

مردم ایران در ۱۶ آذر

صدای نسرین ستوده باش!

صفحه ۸

ملاقات برونو مالاتیا و کیل ایتالایی سکینه محمدی  
آشتیانی، مینا احدی، مریم نمازی و طاهر جعفرزاده با  
مقامات اتحادیه اروپا

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## الله اکبر شعار ما مردم نیست

از صفحه ۱



از سوی تعدادی از دانشجویان داده شد، شعار الله اکبر بود. شعاری که باید در مورد آن مکث کرد و صف خود را از آن جدا کرد. سال ۵۷ مردم برای رهایی از ۵۰ سال گورستان آریامهری و خفقان شاهنشاهی، به خیابان آمدند و شعار مرگ بر شاه، زندانی سیاسی آزاد باید گردد را سردادند. در آن هنگام ارتجاع اسلامی، با فریب وحدت کلمه کوشید که شعار الله اکبر را به میان مردم ببرد و بر همین اساس الله اکبرهای شبانه بر پشت بام شکل گرفت. این شعار سمبل يك توطئه خونین و جنایت بار علیه مردم و انقلاب مردم بود. به همراه این شعار جمهوری اسلامی را بر مردم غالب کردند. با این شعار به تشکل هایمان حمله کردند. با این شعار به زنانی که حجاب نداشتند و یا آرایش داشتند، تیغ کشیدند و به رویشان اسید پاشیدند. و با همین شعار حجاب را اجباری کردند. اجازه بدهید يك خاطره ای در این مورد بگویم. سال ۵۷ بود. مساله حجاب برای زنان از

که یکبار حزب الله به محل تجمع ما ریخت. شعار الله اکبر بلند شد. و با توهین و با فریاد ضد انقلابید و بساطتان را جمع کنید. نشست ما را بر هم زدند. با این شعار جوانانمان را به خاطر زیر پا گذاشتن قوانین ارتجاعی اسلامی شلاق زدند. با این شعار قه کش ها و اوباش حزب الله را برای سرکوب به خیابانها ریختند. با این شعار اعدام و جنایت کردند و لابد هر کدام از شما نیز خاطراتی از آن سالها دارید که نشان میدهد چگونه جمهوری اسلامی زیر این شعار سرکوبمان کرد. و انقلابمان را به شکست کشاند.

امروز اپوزیسیون حافظ رژیم این شعار را آورده است برای اینکه رجوع آن به خمینی و همان اقدامات و سیاستهای سالهای اول انقلاب و سرکوب ما مردم و رجوع آن به قانون اساسی جمهوری اسلامی است. برای اینکه به قول خودشان ساختار شکنی نشود و اوضاع همچنان در کنترلشان باشد و انقلابمان را عقب بزنند. از همین رو در تظاهرات های میلیونی سال گذشته دیدیم، مردمی که از فرصت در هم ریختن صفوف حکومت و جنگشان استفاده کرده و به خیابانها آمده بودند، شعار مرگ

بر دیکتاتور، زندانی سیاسی آزاد باید گردد میدادند. و شعار الله اکبر اساسا از سوی اپوزیسیون درون حکومت به درون جمعیت آورده میشد و به آن میدیدند تا حرکت عظیم مردم به جان آمده علیه کل این حکومت را در چهارچوب کل حکومت نگاه دارند. و ما همانموقع شاهد بودیم که در تظاهرات های مختلف هر گاه که از جایی سازمان یافته شعار الله اکبر سر داده میشد، فوراً از سوی دیگر جمعیت شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بردیکتاتور، خمینی قاتله ولایتش باطله و مرگ بر اصل ولایت فقیه سر داده میشد. مردم شعار دادند کشته ندادیم که سازش کنیم. شعار دادند نه احمدی، نه موسوی، آزادی برابری و شعار دادند موسوی بهانه است کل رژیم نشانه است و با چنین شعارهایی صف آزادیخواهی و انقلاب بود که شکل میگرفت و کل حکومت را به چالش میکشید. ما همانموقع در مورد شعار الله اکبر و اینکه این شعار ما نیست، این شعار جمهوری اسلامی است صحبت کردیم. اما امروز با بلند شدن صدای شعار الله اکبر از سوی بخشی از دانشجویان (که به احتمال زیاد اینجا

هم از همان اپوزیسیون رژیمی آب میخورند) در روز شانزده آذر حساسیت موضوع را برای من بیشتر کرد و تأکیدی دوباره بر روی این تاریخ را ضروری ساخت. به شعار الله اکبر شعار ما مردم نیست. سر دادن این شعار خریدن عمر برای جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی باید با همه قوانین ارتجاعی اسلامی، با هر دسته و گروهش برود و گورش را کم کند. نباید بگذاریم این تاریخ تکرار شود. شعار الله اکبر شعار ما که میخواهیم آزاد باشیم. ما که میخواهیم تبعیض نباشد. ما که میخواهیم فقر، نابرابری، گرسنگی، اعتیاد، بیحقوقی کودک نباشد و جامعه را از قید همه این محرومیت ها و همه مصایب این توحش سرمایه داری رها کنیم، نباید اجازه دهیم که اشتباه سال ۵۷ تکرار شود. شعار ما آزادی است. شعار ما برابری است. خواست قلبی تک تک ما انسانها از بین بردن استعمار و تبعیض است. داشتن جامعه ایست که به آن سوسیالیسم میگوییم. راه ما انقلاب است. انقلابی انسانی برای حکومتی انسانی.\*

دلیل اصلی در نطفه خفه شدن این نوع طرحها در دوره رفسنجانی و خاتمی است. و همین به اضافه فضای انقلابی جامعه، دلیل اصلی در گل گیر کردن پای دولت احمدی نژاد است.

تبدیل طرح "هدفمند کردن یارانه ها" به "نیمه هدفمند کردن یارانه ها" به خوبی دارد این گرفتاری جمهوری اسلامی را بازگو میکند. این حکومت راهی برای اقتصاد از هم گسیخته اش ندارد. راهی برای حل بحران سیاسی اش ندارد. راهی برای عقب راندن جامعه و تمکین مردم هم ندارد. نیم کلاچ کردن هیچ کدام از نقشه هایش معضل را حل نمیکند. کل حکومت و طرحهایش باید به زیاله دان انداخته شود و انداخته خواهد شد.\*

که عقل تجارت داشته باشد در چنین مملکتی با چنین دولتی سرمایه گذاری نمیکند. بهر رو این بیان ساده مساله است. با این اوصاف طرح زدن یارانه ها که جمهوری اسلامی مثل دانش آموزان مستمع آزاد از روی دست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول رونویسی کرده است، حتی اگر میتوانست تمام و کمال هم اجرا شود معضل اقتصادی جمهوری اسلامی را حل نمیکرد. مانع جدی این طرح اینست که ریاضت اقتصادی در جامعه ای که فی الحال در ریاضت کشتی بسر میبرد امکان پذیر نیست. جامعه ای که دستمزد کارگر در آن سه برابر زیر خط فقر است و هیچ بیمه و تأمینات اجتماعی ای در آن وجود ندارد را معلوم نیست چگونه میخواهند به ریاضت اقتصادی بکشانند. این

انداختن ها پی در پی مطرح شد تا به اینجا رسید که نیمه اش را کنار زده اند. این البته خلاصه داستان است.

اما مساله اساسی هنوز این نیست. مساله اینست که این طرح تنها راهی است که سران جمهوری اسلامی برای نجات اقتصاد از هم گسیخته شان در دست دارند. فکر میکنند یا دوست دارند فکر کنند که با این طرح تکانی در اقتصاد داده خواهد شد، اعتماد سرمایه داران خارجی جلب خواهد شد و سرمایه هایی به سوی این کشور سرازیر میشوند. اما همه کس و بیش از همه سرمایه داران میدانند که معضل بحران اقتصادی ایران خود جمهوری اسلامی است. این حکومت انقلابی را علیه خود فرشته کرده و آینده اش از نظر هر صاحب سرمایه ای بسیار ناروشن است. باندهایش تحت کنترل هیچکس نیستند و قانون جنگل را در جامعه حاکم کرده اند. سنتها و قوانینش برای حرکت سرمایه دست و پا گیر است. هیچ صاحب سرمایه ای

## کمدی "نیمه هدفمند کردن" ...

از صفحه ۱

پینوشه بازی باقی نمیکشاند. دور دوم ریاست جمهوری این جناب هم که همه میدانند با خیزش انقلابی مردم شروع شد. تا چندین ماه اصلاً احمدی نژاد جرات نمیکرد شخص خودش را آفتابی کند چه برسد به طرح ریاضت اقتصادی را. بعد که ظاهراً اوضاع آرام شد طرح کذایی شان را بیرون کشیدند. این بار مجلسی ها هشدار دادند که این طرح قیمتها را چند برابر میکند و جامعه را به طوفانی مجدد میکشاند. جدالهایشان تند شد و بالاخره خامنه ای از اقتدار قانونیش استفاده کرد و طرح را زخم خورده به پای اجرا رساندند. قبل از آن هم يك عالمه تهدید و هشدار و مانور و طرح محله محور و امثال اینها را جلوی مردم گذاشتند تا مانع شورش مردم موقع شروع اجرای طرح شوند. اما باز هم جرات نکردند شروع کنند. تعویق

کاری را که دولتهای رفسنجانی و خاتمی نتوانستند انجام دهند قرار بود باند احمدی نژاد و يك مشت جنایتکاران حرفه ای همراهش در معیت سپاه پاسداران و جانیان حرفه ای دیگر به انجام برسانند. قرار بود اول باند او که سابقه "درخشانی" در جنایت داشت جامعه را به ارباب و سکوت و تمکین بکشاند و بعد طرح جراحی اقتصادیش را به اجرا بگذارد. هیچ چیز اینگونه پیش نرفت. چهار سال اول دولت احمدی نژاد تمام شد و حتی جرات نکردند طرحشان را آفتابی کنند. فقط همان اوایل حرفهایی در مورد جراحی اقتصادی زدند و بعد که دیدند هوا پس است پینوشته اسلامی به "دولت مهر پرور" تغییر نام داد! زیرا تظاهراتها و اعتصابات کارگری و شورشیهای شهری و کل جدال فعالی که در جامعه جریان یافت جایی برای

Tel: 0046-739318404  
Fax: 0046- 8 6489716  
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

## گفتگو با کیان آذر ...

از صفحه ۱  
کیان آذر

همه تدارک و آمادگی خود را بکار برده بود که با سیاست پیشگیری مانع برگزاری هر گونه اعتراض و تجمع می شود. با بگری و ببند و بازداشت فعالان دانشجویی و دادن احکام سنگین به دانشجویان، با ارباب و تهدید جنایتکارانی مانند رادان که میگفتند با هراعتراضی برخورد جدی خواهند کرد، با اعمال اختناق شدید در دانشگاه ها، با نگه داشتن فضای سانسور و نیروهای شبه نظامی امنیتی در دانشگاه ها، با بره انداختن بالاصطلاح همایشها در جهت اسلامی کردن دانشگاه و صرف بودجه های عظیم برای مهار و سرکوب دانشجویان میخواستند بگویند تمام شد. دانشگاه و جمهوری اسلامی شده اند. میخواستند نشان دهند دیگر دانشگاه کابوسی برای حکومت نیست. میخواستند بگویند دانشگاه دیگر جایی نیست که سران رژیم را با خفت از آنجا بیرون کنند. دوست داشتند اعلام کنند و نشان دهند که دانشگاه دیگر سنگر آزادی و برابری نیست و بواسطه همه اینها میخواستند بگویند جامعه را به عقب رانده اند و سوار بر اوضاع هستند. اما دانشجویان مبارز و آزادیخواه، دانشجویانی که قلبشان برای آزادی و برابری، رفاه و سعادت انسانها می تپد، این اجازه را به جمهوری اسلامی ندادند و همه تمهیدات، محاسبات و بساط سرکوبش را بهم زدند. در ۱۶ آذر ما عزم یک جامعه را دیدیم برای ادامه مبارزه و انقلابشان، به دانشگاه ها و خیابان و محلات و پشت بامها که سر میزدی، به اینترنت که سرک میکشیدی همه جا صحبت ۱۶ آذر و اعتراض در این روز بود. و دانشجویان و جامعه از این امکان برای ادامه اعتراضاتشان استفاده کردند و نشان دادند بعد از مبارزات درخشان سال گذشته شان نه تنها تسلیم و ناامید نشده اند بلکه مصمم تر هستند برای زیر کشیدن این حکومت ضدانسانی. بطور خلاصه بخواهم بگویم ۱۶ آذر رویارویی جامعه ایران و عزم دانشجویان و مردم ایران برای ادامه مبارزه با جمهوری اسلامی در سطح جامعه و دانشگاه ها بود. از این حیث ۱۶ آذر امسال جایگاه و اهمیت بیش از پیشی دارد. جامعه شادی و شوق و انرژی زیادی پیدا کرد و بنوعی میتوان

گفت که جنایت جمهوری اسلامی در هفته قبل را که اقدام به اعدام شهلا جاهد کرد را جواب داد.

انترناسیونال: فکر میکنید این اعتراضات چه تاثیری در ادامه اعتراضات و فضای دانشگاهها دارد؟

کیان آذر: بنظرم توازن قوا بیشتر بنفع دانشجویان و مردم در برابر حکومت تغییر میکند. بهر حال این یک شکست برای جمهوری اسلامی و پیروزی برای دانشجویان و مردم است. دانشجویان بعد از ۱۶ آذر با دستاوردهایی که این پیروزی داشته میتوانند این دستاورد و پیشروی را ادامه دهند و بیشتر از قبل حکومت را به عقب برانند. فضایی که بعد از شانزده آذر است شکسته شدن سد سرکوب جمهوری اسلامی در دانشگاه هاست و اینکه دانشجویان توانستند با سازماندهی و دخالت وسیع همه جانبه بر جمهوری اسلامی فائق آیند. روحیه و انگیزه مضاعف، انسجام و همبستگی بیشتر، پیشروی برای اعتراضات بیشتر و رادیکالتر دانشجویان از نتایج این روز است. اعتراض دانشجویان در دانشگاه ها این فائق آمدن بر سیاست سرکوب و نهادهای سرکوبگر رژیم را جلوی چشم همه گذاشت، از دانشجویان گرفته تا مردم و افکار بین المللی. و این یک دستاورد بزرگ جدال بین مردم ایران و حکومت است.

انترناسیونال: جمهوری اسلامی مدتی است که شروع به تعرض گسترده ای برای پیاده کردن سیاست آپارتاید جنسیتش در دانشگاهها کرده است و با مقابله و مقاومت دانشجویان مواجه شده است. ۱۶ آذر امسال چقدر فضا را برای مقابله جدی تر و گسترده تر با این تعرض حکومت فراهم میکند و کلا تا چقدر حکومت میتواند این سیاست را در دانشگاهها به اجرا بگذارد؟

کیان آذر: جمهوری اسلامی تلاش زیادی کرد که بتواند بنوعی "انقلاب فرهنگی" دوم را بره اندازد. مخصوصا بعد از شروع انقلاب سال گذشته و نقش تعیین کننده دانشجویان در اعتراضات، جمهوری اسلامی فشار بی اندازه ای بر روی دانشجویان گذاشت. یکی از عرصه های مهم مسئله حجاب، جدا سازیهای جنسیتی و کلا

## دم و دستگاه سرکوب را ...

از صفحه ۱



حسن صالحی

پاسداران از حمایت برخی از پرسنل این نیرو از مخالفان دولت سخن گفته بود. اگر هنوز کسی در میان ما مردم هست که به قدرت خودش باور ندارد همین اظهارات نظامیان جمهوری اسلامی نشان می دهد که چطور شورش و اعتراضات میلیونی ما تا اعماق نیروهای مسلح جمهوری اسلامی رسوخ کرد و تزلزل و امتناع را در میان آنها بوجود آورده است. اما همانطور که می دانید اوضاع نابسامان جمهوری اسلامی فقط به این محدود نمی شود. در اثر خیزش انقلابی مردم کل این رژیم ظاهرا قدر قدرت از درون به ریزش افتاد. آدمهای کل گنده ای صفوفش را ترک کردند و به خارج گریختند و سفیرهای جمهوری اسلامی در چندین کشور جهان یکی پس از دیگری استعفا دادند و از دول غرب تقاضای پناهندگی کردند.

رژیم اسلامی بیش از سه دهه چنگ و دندان نیروهای مسلح اش را به ما نشان داد تا بتدریج به تمکین واداشته شویم. ولی برای ما فقط تنها چند ماه بیشتر لازم نبود که پوشالی بودن این نیرو را در مقابل قدرت خود نشان دهیم. این ناشی از زور و قدرت جمعیت انبوه

هایی مشخص از قبیل آزادی بی قید و شرط سیاسی و بیان و فعالیت آزادانه حول عقایدشان، برابری بین زن و مرد و لغو تبعیض و جداسازی جنسیتی، لغو حجاب اجباری، انتخاب آزادانه پوشش، بیرون رفتن همه ارگانهای مذهبی و دخالت مذهب از دانشگاه و رشته های تحصیلی دانشجویان، عدم حضور و ورود نیروهای نظامی، شبه نظامی و امنیتی در دانشگاه، حق داشتن تشکل های مستقل دانشجویی و فعالیت آزادانه و بدون هزینه های سیاسی، امنیتی و اجتماعی، خواست آزادی دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی، رسیدگی به جنایات حکومت در کوی دانشگاه و در جامعه، خواست داشتن آینده ای روشن و انسانی برای زندگی جوانان و همه بخشهای جامعه و برخوردار بودن از زندگی انسانی برای همه افراد جامعه، داشتن

آپارتاید جنسی تمام عیاری را بیشتر از قبل بر دانشجویان و مخصوصا دانشجویان دختر اعمال میکند. احضار به کمیته های انضباطی، راه ندادن دانشجویان بدحجاب، تهاجید و توهین به دانشجویان، گرفتن تعهدنامه و جداسازیهای جنسیتی و جدا کردن دختر و پسر در کلاس درسها و مکانهای عمومی در سطح دانشگاه از جمله این اقدامات است. اما با همه اینها ما در ۱۶ آذر شاهد حضور پررنگ دختران در صف اول اعتراض و شادی، پایکوبی و رقص دانشجویان دختر، دست در دست هم هستیم. دانشجویان نشان دادند که کوتاه نمی آیند و نه تنها آپارتاید و جداسازی جنسیتی را نخواهد پذیرفت بلکه متحدانه دست در دست هم به میدان می آیند و مقدمات این رژیم را زیر پا خواهند انداخت. برابری همیشه یکی از خواستهای مهم دانشجویان بوده و در اعتراضات همیشه ما شاهد مطالبه آن بوده ایم. لغو حجاب و انتخاب آزادانه پوشش و لغو آپارتاید و جداسازی های جنسیتی همیشه از مطالبات دانشجویان بوده و هیچگاه دانشجویان از آن کوتاه نیامده اند. فیلمهایی که از ۱۶ آذر امسال منتشر شده بخوبی این مسئله را نشان میدهد و دانشجویان در اعتراضات بعدی روی یکی از محورهایی که به جنگ جمهوری اسلامی خواهند رفت و ما بیشتر شاهد آن خواهیم بود مسئله برابری و نه حجاب و تبعیض جنسیتی است. اما جمهوری اسلامی بالطبع تمام سعیش را خواهد کرد اما بازنده این میدان خواهد بود. صحنه سیاسی امروز ایران بخوبی اینرا بما نشان میدهد و شانزده آذر مصداق آنست.

انترناسیونال: چه تاکیدات و فراخوانی شما به دانشجویان در این موقعیت دارید؟

کیان آذر: ما بخوبی میدانیم که هر حکومتی در موقعیت جمهوری اسلامی که در آستانه سرنگون شدن توسط مردم باشد، راه گریزش برای فرار از سرنگون شدن، سرکوب و چنگ و دندان نشان دادن به مردم است. جمهوری اسلامی مانند همیشه عکس العملش حمله به دانشجویان خواهد بود. شروع میکنند به احضار و بازداشت دانشجویان، دادن احکام سنگین به آنان. دانشجویان باید فضای اعتراض را نگه دارند و با تجمعات خود همبستگی و انسجام اعتراضی خود را حفظ کنند. باید حول خواسته

ماست. زمانی که که در ابعاد میلیونی به خیابانها آمدیم و فریاد زدیم "تترسید، تترسید، ما همه با هم هستیم" و به درست رودر روی نیروهای رژیم شعار دادیم "تترسید، بلزید، ما همه با هم هستیم!" این همان قدرت جمعیتی است که در ۱۶ دیماه سال گذشته نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی را به هزیمت واداشت.

شک نداشته باشید که اگر این جمعیت انبوه قدرت خودش را در همه جا نشان دهد، که این روزها در دانشگاهها شاهدش هستیم، هارترین دشمنان مردم را نیز به زانو در خواهد آورد. هیچ شک نداشته باشید که در چنین حالتی گروه گروه از بنده نیروهای سرکوبگر رژیم اسلحه هایشان را به زمین خواهند گذاشت و به صف شما ملحق خواهند شد.

آنچه که رئیس ارتش جمهوری اسلامی بدان اعتراف می کند نشاندهنده شروع جریان است که با هر انقلاب به طور ناگزیری اتفاق خواهد افتد. بخشی از بنده ارتش که از فرزندان مردم هستند، حاضر نخواهند شد که به سوی خواهران، برادران و پدران و مادران خود شلیک کنند و لوله تفنگ خود را به سوی دیگر می چرخانند. عده ای از ترس و عاقبت جزایی که فردای پیروزی انقلاب در انتظارشان خواهد بود صفوف دستگاه رژیم را ترک می کنند و به آن پشت خواهند کرد. قدرت سرکوب جمهوری اسلامی نهایتا با انقلاب و قیام مسلحانه مردم در هم خواهد شکست. رئیس ارتش جمهوری اسلامی هم برود برای خود فکری کند.\*

شرایط تحصیلی با استاندارد بالا در محل تحصیل و خوابگاه ها، خود را متشکل کنند. داشتن سازمان، تشکل و نهادهای مستقل دانشجویی با خواسته هایی که در سطور بالا ذکر کردم لازمه ادامه و گسترش مبارزات دانشجویان است. باید سازمان داشت تا بتوانیم قدرتمندان و توده ای تر از قبل به مصاف جمهوری اسلامی برویم. نکته بعدی ارتباط با سازمان جوانان کمونیست است. این سازمانیست که برای همین روزها و شرایط ساخته شده که جوانان بتوانند ظرفی داشته باشند برای مبارزه با جمهوری اسلامی. باید جوانان و دانشجویان وسیعا مبارزه خود را در صف این سازمان که بخش پیشرو و نوک پیکان جنبش نسل جوان ایران را تشکیل میدهد تعریف کنند و به آن پیوندند.\*



## بازتاب هفته

### مذاکرات هسته ای با جمهوری اسلامی و ادامه کشمکش



بهروز مهر آبادی

سلاح هسته ای را نشان می داد. گروه ۵+۱ به این شروط اعتنائی نکرد و دولت ایران در نتیجه فشار تحریم های اقتصادی ناچار به شرکت در مذاکرات شد. احمدی نژاد روز سه شنبه در مصاحبه ای گفت: "تنها گفت و گو در جهت "حل مسائل پیچیده جهان" را می پذیرد. شنیدن این حرف از نماینده رژیم که از حل ساده ترین مسائل خود عاجز است، نشان می دهد که از این مذاکرات چیزی عاید گروه ۵+۱ نمی شود. اما با وجود این مذاکرات با جمهوری اسلامی ادامه می یابد.

سعید جلیلی اظهار داشته است که برای مذاکره در مورد همکاری حول نقاط مشترک توافق کرده است. او این نقاط مشترک را مسائل امنیتی و اقتصادی اعلام کرد. هر چند جزئیات بیشتری توسط مقامات جمهوری اسلامی در اینباره اعلام نشده اما تلقی رژیم از "مسائل امنیتی" کاملاً روشن است. نقش و خطر جمهوری اسلامی در تسلیح و تقویت گروه های تروریستی و بحران آفرینی در افغانستان، عراق، لبنان، فلسطین، یمن و سایر کشور های جهان انکار ناپذیر است. صدها پرونده انجام عملیات تروریستی و قاچاق اسلحه و مواد منفجره توسط مامورین جمهوری اسلامی، در کشورهای مختلف از آرژانتین گرفته تا نیجریه وجود دارد. این سلاح مهمی است که رژیم برای ادامه مذاکرات با گروه ۵+۱ در دست گرفته تا فشار ها را به خود کم کند. از سوی دیگر تحریم های اقتصادی هر چند که اقتصاد جمهوری اسلامی را مختل کرده، اما به دوام آن اطمینان زیادی نیست. این تحریم ها حتی از طرف نزدیک ترین متحدین آمریکا زیر پا گذاشته شده است. گزارشات منتشر شده از معاملات پنهان اقتصادی جمهوری اسلامی با اسرائیل نمونه کوچکی از آن است. منابع زیرزمینی غنی ایران، نیروی کار ارزان و استعداد فراوان حکومت اسلامی در غارت و چپاول، رشوه دهی و فساد مالی و سودهای هنگفتی که می توان از این طریق بدست آورد چیزهایی نیستند که

دولتهای گروه ۵+۱ بتوانند به سادگی از آن چشم پيوشند. آنچه که مستقل از خواست این دولتها عمل می کند خواست و فشار صدها میلیون انسان شریفی است که پشتیبانی خود را از مبارزات مردم ایران برای پایان دادن به حکومت سرکوب و استثمار و فساد، نشان داده و به وزنه ای در مواجهه دولتها با جمهوری اسلامی مبدل شده اند.\*

### معمای حیات و کشف باکتریهای جدید

#### بهروز مهر آبادی

دانشمندان آمریکائی موفق به کشف باکتری هائی شدند که قادر به زندگی و رشد در ماده کشنده ارسنیک می باشند. ارسنیک که یکی از سمی ترین مواد شناخته شده است کار ارگانهای حیاتی را متوقف کرده و امکان حیات طبیعی را از بین می برد. اما باکتری های کشف شده نه تنها قادر هستند در محیط ارسنیک به حیات خود ادامه دهند بلکه این توانائی را دارند که این ماده سمی را به بخشی از ساختار مولکولی خود تبدیل کنند. این موجودات زنده در گل و لای اعماق دریاچه مونو در ایالت کالیفرنیا کشف شده اند. آب این دریاچه بسیار شور و مملو از ارسنیک است.

تا بحال تصور می شد که گونه های شناخته شده حیات نیازمند ۶ عنصر زیر هستند: کربن، هیدروژن، نیتروژن، اکسیژن، فسفر و سولفور. این عناصر بخشهای اصلی و سازنده "دی ان ا"، پروتئین و چربی ها بشمار می روند و وجود این عناصر لازمه شکل گیری حیات دانسته می شد. اما باکتری های کشف شده قادرند که از ماده ارسنیک "دی ان ا"، پروتئین و دیگر ارگانهای حیاتی خود را تولید کرده و ارسنیک را جایگزین فسفر کنند. کشف جدید سرسختی حیات و امکان پیدایش آن در شرایط بسیار متفاوت از محیط زیست طبیعی ما را نشان می دهد. این کشف نه تنها امکان وجود حیات در سایر کرات و کهکشان ها را نشان می دهد بلکه خط بطلان دیگری بر نظریات مذهبی پیدایش خلقت است. خدا هرگز نمی توانست باور کند که

### جدال دولت انگلستان و جوانان بر سر شهریه دانشگاه



سهیلا شریفی

امروز ۹ دسامبر در حالیکه هزاران دانشجو و دانش آموز و مردم معترض در مقابل پارلمان انگلستان تجمع کرده بودند پارلمان انگلیس بالاخره با اکثریت خیلی ناچیزی موفق به تصویب طرح افزایش شهریه های دانشگاه شد. تعداد ۳۲۳ رای موافق در برابر ۳۰۲ رای مخالف نشان دهنده میزان تنش و کشمکشی است که این مجلس با آن درگیر است. تا همینجا ۳ تن از اعضای پارلمان در اعتراض به این طرح از پست خود استعفا داده اند و گفته می شود حزب لیبرال دمکراتها که یکی از احزاب شریک در دولت ائتلافی راست حاکم است تقریباً از وسط دو شقه شده است. حتی در میان نمایندگان حزب حاکم محافظه کار هم کم نیستند کسانی که با این طرح مخالفت کرده و به آن رای منفی داده اند. با این اوصاف دولت که تا

گونه ای از حیات بتواند در درون ارسنیک بوجود آید! اما در کنار خبر این کشف مهم بد نیست خبری هم از ایران گفته شود. حسین باقری معاون وزیر کشور و رئیس سازمان مدیریت بحران جمهوری اسلامی خبر داد: "از حوزه علمیه برای به کارگیری نقش معنویت در کاهش بلایای طبیعی استفاده خواهیم کرد و در مرحله اول با حوزه های علمیه قم، مشهد، اصفهان و شیراز تفاهنامه همکاری امضا کرده ایم". این نقل قول از سنگنوشته های هزار سال پیش نیست، خبری است که در همین ماه توسط یک مقام رژیم اعلام شده است. در شرایطی که هر زمین لرزه جان هزاران نفر را می گیرد، هر باران ناچیزی می تواند موجب بروز سیلاب و بیخانمانی و مرگ بسیاری شود و آلودگی هوا در تهران و بسیاری از شهرها جان هزاران نفر را مورد تهدید

همین حالا هم بخاطر ائتلافی بودن خیلی قوی نبود از این به بعد در موقعیت بسیار ضعیف تر و شکننده تری قرار می گیرد.

از طرف دیگر تجمع اعتراضی هزاران دانشجو در مقابل پارلمان، درگیر شدن آنها با پلیس و تهدید به ادامه دار بودن این اعتراضات دریچه تازه ای را در فضای سیاسی جامعه انگلستان باز کرده است. این بار جوانان و دانشجویان خود را مستقیماً در مقابل دولتی می بینند که آستین بالا زده است تا آنها را به ورطه فقر و نداری سوق داده و دستاوردهای چندین نسل گذشته مبارزات مردم را که امکان تحصیل را برای عموم فراهم کرده بود پس بگیرد. با اجرای این طرح دیگر شکاف طبقاتی به نحو بی سابقه ای در این کشور زیاد شده و تحصیلات عالی عملاً منحصر به قشر پولدار و طبقات مرفه جامعه خواهد شد. اظهارات امروز و چند تظاهرات اخیر دانشجویان از این لحاظ تازه است که احترام به قانون و دست به عصا رفتار کردن مردم در مقابل دولت را در هم شکست و مردم و مخصوصاً جوانان را وارد مبارزه ای رودرو و مستقیم با دولت این کشور نمود.

قرار داده است، رژیم برای مقابله با بلایای طبیعی راه دیگری بجز "حوزه علمیه" نمی شناسد. انتشار چنین گفته هایی پیامدی بجز ریشخند گرفتن و تمسخر حکومت اسلامی در سایت ها و وبلاگ ها و بویژه در میان جوانان، نداشت. معلوم نیست که آیا موجودات کشف شده در دریاچه مونو می توانستند در محیط مسموم ارتجاع اسلامی به حیات خود ادامه دهند اما مردم ایران سرسختی و مقاومت خود را نشان داده و حاضر نشده اند تا قوانین اسلامی را بعنوان بخشی از زندگی اجتماعی خود بپذیرند. پاک کردن سموم حکومت اسلامی از زندگی مردم ایران ممکن است مدتی طول بکشد، اما نتیجه آن قطعاً محیطی زیباتر، سالم تر و انسانی تر خواهد بود.\*

## بازتاب هفته

### قتل شهلا و تقای مدافعان قتل عمد دولتی

یاشار سهندی

بعد از قتل شهلا جاهد در هفته گذشته برخی از شخصیت‌های جنبش ملی - اسلامی که از "بد حادثه روزگار" مجبور شدند در مقابل حکومتی که امام راحل شان بنیان گذاشته بایستند تا چهره "رحمانی اسلام" را نشان دهند، به "برکت چراغ عقل" که خداوند تنها در وجود ایشان به ودیعه گذاشته، "خشونت و فرهنگ مرد سالاری" که به زعم ایشان در وجود مردم "نهادینه" شده و "دیوی که در درون هر انسان نهفته است" را در این جنایت مقصر قلمداد کردند! تا شاید حکومت اسلامی از زیر ضرب اعتراض و نفرت و خشم مردم ایران و جهان سالم به در برده شود و اگر این نشد حداقل به داد اسلام رسیده باشند. به گوشه‌ای از اظهار نظر این منادیان اسلام از نوع رحمانی آن توجه کنید: خانم آزاده دواچی در سایت مدرسه فمینیستی همه چیز را گردن فرهنگ مرد سالارانه می اندازد و می‌پرسد: یکی از خانواده مقتول نبود که از آقای محمد خانی بپرسد "چرا دوبار ازدواج کرده است" و "دو زن قریانی یک فرهنگ و یک قانون" شدند و باید "مقصر اصلی یعنی محمد خانی را محاکمه کرد". بعد مدعی می‌شود که فرهنگ و قانون مرد سالارانه و خشونت در ما نهادینه شده است باید به آن فکر کرد. و برای شروع بد نیست ظاهراً از محمد خانی شروع کرد! شخصی به نام محمد رضا نسب عبداللهی در مطلبی منتشر شده در گویا کشف جالبی کرده است که معلوم می‌شود مقصر خبرنگاران و کسانی هستند که از شهلا جاهد دفاع کردند. او مدعی است همه چیز تقصیر خبرنگاران بود که "بی طرفی" را رعایت نکردند. و ادامه می‌دهد: اگر با شهلا جاهد اینقدر مصاحبه نمی شد و کلا تا این سطح به مطلب پرداخته نمی‌شد و بیشتر جانب خانواده مقتول گرفته می‌شد آنوقت در لحظات قبل از اعدام "هتیت صلح و سازش" که به گفته ایشان تلاش زیادی کرده بود حتماً آنها را قانع میکرد از حق خود یعنی خون قاتل بگزنند ( متهمی که که هنوز ثابت نشده قاتل است) و این رسانه ها بودند که باعث قتل شدند. ایشان با اشاره به تیتیر کردن اعدام شهلا جاهد

ساعتها پیش از اجرای قتل توسط "برخی رسانه های ایران مانند آرمان و تهران امروز" (که از قصد قبلی و حتی کشتن شهلا توسط حکومت خبر میدهد) را فقط "پاکداشتن روی اخلاق روزنامه نگاری" می‌شمارد. علی‌افشاری که یک هفته قبل از کشتن شهلا در پوشش حمایت از شهلا به سئینه محملی و کمپین دفاع از او حمله کرده بود ضمن تاکید مجدد که این آدمها ( شهلا ها و سئینه ها) چیزی در شخصیت شان نیست که شایسته تجلیل و احترام باشد (!!) ضمن تایید نظریه خانم دواچی اما مرد سالاری را تنها مقصر نمیداند خود شهلا جاهد را نیز مقصر قلمداد میکند که پا تو زندگی "مرد زن دار" گذاشته بود؛ "پا به روی حق زنی دیگر". ایشان خیلی ساده، و مانند همه "روشنفکران" تاریک فکر طبقه بورژوازی مدعی است "در درون هر انسانی دیوی نهفته است که مترصد فرصتی است تا فعال شود. با رشد وجدان و گسترش عقلانیت و آگاهی ( شما بخوانید قوانینی مانند قصاص) می توان آن را به بند کشید و مهار کرد." وجدان ایشان تماماً در خدمت این امر است که دیوی به نام جمهوری اسلامی را از زیر ضرب مردم نجات دهد. بزعم ایشان در قتل شهلا جاهد هر کسی میتواند مقصر باشد الا جمهوری اسلامی و بخصوص اسلام. جناب افشاری قتل شهلا جاهد را تقصیر فرهنگ مردسالارانه، خشونت نهادینه شده در نهاد مردم، دیو نهفته در عمق جان انسان و عشق خود شهلا به ناصر محمد خانی و خود محمد خانی و برای خالی نبودن عریضه. ایضا ضعف قوه قضاییه هم میدانند. آری. رأرواقعا که این تلاشها و تقلاها در مورد یک جنایت آشکار بسیار قابل توجه است. به خس و خاشاک چنگ می اندازند تا یک حکومت خونخوار را تطهیر کنند. گویی دیگر این تلاشها فایده ای دارد. گویی می‌شود این مجسمه خشونت و جنایت و قتل را از زیر خشم مردم شریف و انسان دوست بیرون کشید. عالم و آدم میدانند و لمس کرده است که قاتل و مسبب اصلی قتل شهلا جاهد جمهوری کثیف اسلامی و سنتها و قوانین توحش اسلامی است. این دیوی سی و یک سال پیش به جان مردم انداخته شد، چرا که به خیابان آمده بودند و حق خود را، زندگی را

مطالبه کرده بودند. خشونت "نهادینه" شده نه فرهنگ مردم که بازتاب مناسبات سرمایه داری است. مناسباتی که در آن انبوه ثروت و رفاه از دست اکثریت اهالی که آفریننده این ثروت هستند به دور است. سرمایه در ایران به کمک مذهب یکی از خشن ترین دولتها را سازمان داده است. این دولت یکی از راهها، اصلی ترین روش "تمشیت امور" را اعدام میداند و برای اینکه خودش را میرا از این جنایت هولناک کند به کمک قانون پوسیده و ضد انسانی قصاص که از بنیانی ترین روشهای اجرای عدالت الهی در میان ادیان است خود مردم را وادار میکند که رسماً از جانب دولت دست به قتل بزنند. برای اینکه سناریو را کامل کرده باشند دستگاه قضایی این حکومت "هتیت صلح و سازش" ساخته و پرداخته تا لحظاتی قبل از اعدام و در زیر چوبه دار با یادآوری سخنان مولایشان علی که ظاهراً فرمودند "در عفو لذتی است که در انتقام نیست (!)" از آنها بخواهند از "خونخواهی" بگزنند و بعد هم بگویند: "ما سعی کردیم اما آنها خون جلو چشمان شان را گرفته بود. البته حق هم دارند!" منادیان اسلام رحمانی کارشان ادامه کار دستگاه جنایت آفرین قوه قضاییه جمهوری اسلامی است تا قتل را از گردن دولت اسلامی ساقط کنند. این دست و پا زدن جنبشی ضد انسانی است که با زیر ضرب قرار گرفتن حکومت متبوع شان مثلاً می‌خواهد چهره رحمانی از خود نشان دهد اما چاره ای ندارد جز اینکه از قتل صورت گرفته به نحوی دفاع کند. این نوشته ها نشان میدهد همه شعب این جنبش چون جان مایه آن دفاع از سرمایه داری است ضد انسانی می باشد. این نظرات قابل انتقاد نیستند بلکه باید رسوایشان کرد و چهره کریه و ضد انسانی جنبش ملی اسلامی را نشان داد.\*

### احمدی نژاد "بیکاری" را هم ریشه کن کرد!



غلام اکبری

خبرنگاری مهر سه شنبه ۱۶ آذر: رئیس جمهور با اعلام اینکه گام اول اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها تا پایان سال جاری برداشته خواهد

شد، گفت: ظرف ۲ سال آینده دولت بیکاری را در سراسر کشور ریشه کن خواهد کرد. طبق همین خبر: احمدی نژاد "به مصرف انرژی در کشور اشاره کرد و گفت: ایران ۴ برابر کشورهای دنیا انرژی مصرف می کند که اگر فقط یک چهارم مصرف را کاهش دهیم بودجه کل کشور به بیش از ۲۰۲۵ درصد خواهد رسید که با این حساب دیگر در کل کشور یک بیکار نخواهیم داشت." وقتی این جملات را می‌خوانید، لبخند احمدی نژاد را هم تصور کنید! برآستی که آدم نمیداند به حماقت ایشان باید خندید یا گریه کرد. شاید هم احمدی نژاد خبر از آمار بیکاران ندارد؟ در آخرین آمار رسمی سازمان آمار جمهوری اسلامی که مربوط به بهار سال ۸۹ است گفته شده که ۱۴٫۹ درصد جمعیت فعال بیکار هستند. باید توجه داشت هر کسی که حتی یک ساعت در هفته کار کرده باشد جزء شاغلین حساب شده است. زنان خانه دار، دانشجویان، دانش آموزان و سربازان هم جزء بیکاران محسوب نشده اند و دست آخر هم نزدیک ۱۵ درصد از جمعیت فعال کشور آتهم طبق آمار مسئولین بیکار هستند. (البته حکومت هم میداند که رقم واقعی بیکاری در ایران امروز بمراتب بیشتر از اینهاست) آئوت رئیس جمهور شارلاتان این ادعا را دارد که تا ۲ سال دیگر بیکاری در کشور ریشه کن خواهد شد. احمدی نژاد گفت: "دولت لایحه ای را به مجلس تقدیم کرده که از اردیبهشت ماه سال جاری در مجلس نمایندگان به آن رسیدگی می کنند. این لایحه بر اساس سیاست های برنامه ۵ ساله پنجم توسعه تنظیم شده است که در آن پیش بینی شده که ۲۰ درصد از درآمد کل نفت کشور برای اشتغال جوانان در صندوق ملی توسعه انبوه شده شود. رئیس جمهور با بیان اینکه از اوایل سال جاری تا کنون نزدیک به ۹ میلیارد دلار در این صندوق ذخیره شده است، گفت: تا پایان سال جاری این رقم به ۱۶ میلیارد دلار خواهد رسید به عبارتی دیگر سالانه ۱۴ هزار میلیارد تومان به بودجه سرمایه گذاری کشور اضافه می شود که اگر فقط همین را سرمایه گذاری کنیم سالانه یک میلیون شغل در کشور ایجاد خواهد شد." پس معلوم شد که چطور احمدی نژاد و حکومتش می‌خواهد طی برنامه ای دو ساله بیکاری را ریشه کن کنند. با اختصاص ۲۰ درصد از درآمد نفتی به صندوق ملی توسعه. شاید بد نباشد

برای روشن کردن ذهن حکومت، گفته وزیر سابق کار را یادآوری کنیم. « محمد جهرمی، وزیر پیشین کار از ورود سالانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار نیروی کار جدید به بازار کار خبر می‌داد» پس هر سال یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر به صف بیکاران اضافه میشوند. از طرف دیگر جمعیت فعال در سال ۸۸ طبق آمار خود رژیم ۲۴ میلیون و ۳۲۳ هزار نفر بوده که با اضافه شدن یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر به این آمار با رقم تقریبی ۲۵ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر روبرو میشویم. نرخ بیکاری هم طبق آمار خود رژیم در بهار امسال تقریباً ۱۵ درصد بوده است که با محاسبه ساده به رقم سه میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بیکار در بهار امسال روبرو هستیم. با جمع ساده ارقام فوق مبینیم که تا دو سال دیگر ما با بیش از شش میلیون بیکار روبرو هستیم که اگر احمدی نژاد هم هر سال یک میلیون شغل ایجاد کند باز هم چهار میلیون بیکار خواهیم داشت. ( ۱+۱ نمیشود ۶، آقای رئیس جمهور!) با توجه به تعداد بیکاران امروزه تنها مشکل بیکاری ریشه کن نشده است بلکه بیشتر هم شده است. دیگر لازم به یادآوری نیست که طی چند ماه اخیر، در پی جدی شدن تحریمها خیلی از کارخانجات و پروژه ها تعطیل شده است و هزاران نفر را به خیل این بیکاران اضافه کرده است. بیکاری یکی از مشکلات بزرگ اکثر جوامع سرمایه داری است. خیل بیکاران برای دول سرمایه داری مستمسکی است تا به حداقل حقوق کارگران تعرض بیشتری نکنند و گرسنگی و فقر را، بیش از دوران رونق بازار به طبقه کارگر و زحمتکش جامعه تحمیل کنند. اما وضعیت جمهوری اسلامی با دولتهای سرمایه داری متعارف فرقههای زیادی دارد که فقط سران حکومت و کارشناسان جیره خورشان میتوانند منکرش بشوند. دستان سران حکومت اسلامی بیش از ۳۰ سال است که به خون کارگران و آزادیخواهان آغشته است. این قاتلین شکنجه و تروریسم خود را در اریکه قدرت نگه داشته اند. جوانان، زنان و همه انسانهای شریف برای اینکه بتوانند یک زندگی راحت و آسوده داشته باشند در درجه اول باید از شر بختک جمهوری اسلامی خلاص شوند تا این شارلاتانهای مفتخور و هم دستان تروریستان بیش از این عمر مردم را تلف نکنند.\*

اطلاعیه شماره ۱

## به مناسبت ۱۶ آذر، دانشجویان در سراسر کشور دست به تجمعات اعتراضی زدند

در شرایطی که جمهوری اسلامی نیروهای سرکوبش را همه جا بسیج کرده و دانشگاهها را قرق کرده بود و علیرغم کنترل شدید دانشجویان و راه ندادن بسیاری از دانشجویان به دانشگاهها، امروز هزاران نفر از دانشجویان در تهران و شهرهای دیگر دست به تجمعات اعتراضی زدند، علیه جمهوری اسلامی شعار دادند، اعلامیه پخش کردند و شعارنویسی کردند.

برخی از گزارشاتی که تا این لحظه منتشر شده است:

**تهران:** دو تا سه هزار نفر از دانشجویان و مردم، در مقابل و اطراف دانشگاه تهران جمع شده اند. تمام خیابانهای دورتادور دانشگاه یا بسته یا یکطرفه شده است. مزدوران انتظامی مانع هرنوع ورود و خروج به دانشگاه هستند.

همه مزدوران از انتظامی تا لباس شخصی به باتونهای برقی و جلیقه های ضدگلوله مجهز هستند.

کلاتریرهای تهران از جمله کلاتریرهای ۱۰۱ در میدان تجریش، ۱۴۸ در خیابان انقلاب، کلاتریری ناحیه ۸ در خیابان آزادی، کلاتریری ۱۰۴ در خیابان سهوردی شمالی و، کلاتریری ۱۰۷ در خیابان فلسطین پر از مزدوران سرکوبگر و در حال آماده باش هستند. موتورسیکلهای آماده نیز در این کلاتریرها پارک شده است.

**دانشکده فنی تهران:** در ساعت ۲ بعدازظهر امروز جلوی پردیس مرکزی دانشکده فنی تهران تعداد ۳۰۰ نفر از دانشجویان جمع شده و شعر یار دستانی را می خوانند، حراست دانشجویان را متفرق میکنند، بسیجیان وارد شده اند ولی تعدادشان کم است و دانشجویان آنها را هو میکنند.

**دانشگاه امیرکبیر:** دانشجویان در حمایت از دانشجویان زندانی، دست به تجمع اعتراضی زدند. از ساعات ابتدای صبح امروز حدود ۵۰ دانشجوی دانشگاه پلی تکنیک به این دانشگاه ممنوع الورد شده اند. نیروهای انتظامات بدون ارائه دلیل

متعاقباً بسیجیها به جمع آوری شبنامه ها پرداختند.

**قزوین:** دانشجویان در میدان قلم دانشگاه این شهر تجمع کرده و شعار مرگ بردیکتاتور سر دادند. روز قبل از جمله در خوابگاه دختران دانشگاه آزاد این شهر، دانشجویان سرتاسر خوابگاه را با چسباندن اعلامیه دعوت به اعتصاب در روز ۱۶ آذر کرده بودند.

حین تجمع دانشجویان دانشگاه آزاد قزوین، نماینده بسیج با چند نفر از بسیجی ها به سمت دانشجویان آمدند و پیشنهاد کردند که همه جمع شوند و به مسجد برای مناظره بروند! در حال حاضر جمعیت تظاهر کننده به بیش از ۲۰۰۰ نفر بالغ شده است. دانشجویان خشمگین شعار میدهند. حراست به یکی از دانشجویان به منظور دستگیری حمله کرد اما دانشجویان مانع دستگیری دوست خود شدند و محکمتر از قبل شعار دادند

در بزرگراه نیایش بنری در استقبال از ۱۶ آذر نصب شده است.

**دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد** از ساعت ۱۲ صبح امروز دست به تجمع زدند و حدود ۵۰۰ نفر در آن شرکت کردند.

**رشت:** ظهر امروز دانشجویان در دانشکده فنی رشت تجمع کردند. مزدوران حکومت ۳ نفر از دانشجویان این دانشگاه را دستگیر کردند و در حضور مسئولین دانشگاه گفتند که در صورتی که دانشجویان متفرق شوند دانشجویان دستگیر شده را آزاد میکنند و بدین ترتیب سه دانشجو را به گروگان گرفتند. دانشجویان از این حرکت مزدوران به خشم آمده اند و شعارهای ضد حکومتی می دهند. گفته میشود که جمعیت تجمع کننده بسیار زیاد است.

**دانشگاه نوشیروانی پابل:** بنا به خبرهای رسیده از دانشگاه نوشیروانی پابل، صبح امروز حدود ۱۰۰۰ نفر از دانشجویان مراسمی را به مناسبت ۱۶ آذر برگزار کردند.

**آبادان:** صبح امروز در دانشگاه آزاد آبادان دانشجویان را بدون کارت دانشجویی راه نمی دادند. جو امنیتی زیادی بود. حراستی ها به شکل مرموزی دانشجویان را برانداز می

## درد به شما دانشجویان ...

از صفحه ۱

همین دلیل همه توان خود را برای مقابله با شما بکار گرفتند.

جامعه ایران در آستانه تحولات بزرگی قرار دارد و هیچ درجه از سرکوب و بگیر و ببند قادر به مقابله با طوفان عظیم اجتماعی که در پیش است نخواهد بود. مبارزه امروز شما شروع دور تازه ای از اعتراضات بزرگ دانشجویان، کارگران، زنان و جوانان و مردم محروم برای بزیر کشیدن حکومت اسلامی را نوید داد.

حزب کمونیست کارگری به شما درود میفرستد و جسارت شما را ارج مینهد.

آزادی برابری حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

حزب کمونیست کارگری ایران  
۷ دسامبر ۲۰۱۰، ۱۶ آذر ۱۳۸۹

شما، در شرایطی رخ داد که حکومت در ماههای گذشته و بویژه در روزهای اخیر تمام تلاشش را برای ایجاد فضای رعب و وحشت بکار گرفته بود و شدیدترین کنترل را در دانشگاهها برقرار کرده بود، تا تجمعی برگزار نشود و شعاری داده نشود. اما همه اینها نقش بر آب شد و روز بزرگ دیگری در مبارزه دانشجویان و مردم برای رهایی از حکومت ننگ و نکتب اسلامی شکل گرفت. سیاست سرکوبگرانه جمهوری اسلامی امروز توسط شما ضربه محسوسی خورد.

اعتراض امروز شما در عین حال بیانگر خشم و نفرت عمیقی است که سراسر جامعه را در برگرفته است و هرلحظه ممکن است مشتعل شود و تومار جنایتکاران را در هم بپیچد. مبارزه امروز شما بیگمان بر فضای اعتراض عمومی در جامعه تاثیرات عمیقی خواهد گذاشت. اینرا حکومتگران بخوبی میدانند و به

کنند. جو شکننده ای است. ما منتظر فرصت هستیم برای تجمع و شعار دادن.

**کرج:** امروز در دانشگاه آزاد کرج جو شدید امنیتی بود. موقع ورود به دانشگاه تمام کارتها و وسایل چک می شد و در درب ورودی هر ساختمان ۵ نفر لباس شخصی ایستاده بودند و نزدیک ساعت ۱۲ عده ای از دانشجویان با شعار دانشجوی سیاسی باید آزاد گردد به سمت درب پایین حرکت کردند.

**مشهد:** امروز صدها تن از دانشجویان دانشگاه سراسری مشهد بمناسبت ۱۶ آذر تجمع اعتراضی برگزار کردند

**دانشجویان دانشگاه رازی** کرمانشاه، روز ۱۵ آذر با شروع سخنرانی صفار هرندی با شعار مرگ بردیکتاتور از سالن خارج شدند. صفار هرندی با هیات همراهش غافلگیر شده بود. دانشجویان با پخش اعلامیه و تراکتیهای، خواهان آزادی دانشجویان زندانی شدند. مزدوران به دانشجویان حمله کردند و آنها را متفرق کردند.

در دانشگاه هنر تهران، روی در و دیوار و راهرو دانشگاه و سلف سرویس، بمناسبت ۱۶ آذر

شعارنویسی شده است.

در دانشگاه شیراز، در تالار سینا صدای دانشگاه، دانشجویان مخالف حکومت، بسیجیها را سوال پیچ کرده و به تمسخر گرفتند.

**دانشجویان دانشگاه آزاد بروجرد** اعلام کرده اند که در روز ۱۶ آذر در محوطه دانشگاه برنامه و تجمع خواهند داشت. هنوز گزارشی از این دانشگاه منتشر نشده است.

در شهرک اکباتان تهران، شب گذشته عده ای از مردم بمناسبت فرارسیدن ۱۶ آذر، در پشت بامها شعار مرگ بردیکتاتور سردادند.

در اراک، گفته میشود مردم در خیابان ملک تجمع کرده و در اعتراض به سفر احمدی نژاد شعار میدادند.

وقتی ماموران با باتوم به این تجمع حمله کردند، مردم بجان آمده شیشه ماشین نیروی انتظامی را شکستند.

زنده باد دانشجویان و مردم آزادخواه

زنده باد ۱۶ آذر  
آزادی برابری حکومت کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی

سازمان جوانان کمونیست  
۷ دسامبر ۲۰۱۰، ۱۶ آذر ۱۳۸۹

## به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

اطلاعیه شماره ۱۰۶:

**از فراخوان تشکلهای وکلای اروپا در اعتراض به جمهوری اسلامی حمایت کنیم**

در اعتراض به نقض حقوق بشر و تعقیب سیستماتیک دولتی وکلای ایرانی ۳ تشکل اروپایی وکلا به نامهای وکلای دموکراتیک اروپا، کانون وکلای دموکراتی و کانون وکلای جمهوریخواه روز پنجشنبه ۹ دسامبر در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی در پاریس، رم، برلین، بروکسل، لاهه و مادرید تظاهرات سازمان داده اند.

این تظاهراتها همزمان از ساعت ۱۲ ظهر روز پنجشنبه برگزار میشوند. در بیانیه این تشکلهای آمده است که با توجه به نقض مستمر حقوق بشر در ایران و تعقیب سیستماتیک و دولتی وکلا در ایران، امسال ما اعتراض به جمهوری اسلامی ایران را در مرکز توجه خود قرار داده و بهمین مناسبت روز قبل از ۱۰ دسامبر (روز جهانی حقوق بشر) را بعنوان

روز اعتراض به دستگیری و تعقیب و آزار وکلا در ایران اختصاص میدهم. در این بیانیه همچنین آمده است که جمهوری اسلامی طی دو سال گذشته بیش از ۲۰ وکیل از جمله وکلای پرونده سکینه محمدی آشتیانی را بازداشت و مورد تعقیب قرار داده است. کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار ضمن حمایت از این

فراخوان همه مردم شریف و آزادیخواه را فرا میخواند که در روز پنجشنبه ۹ دسامبر در این تجمعات حضور بهم رسانیده و این حرکت را تقویت کنند. یک وجه سرکوبگری جمهوری اسلامی اذیت و آزار و دستگیری و تهدید دائم وکلای زندانیان است. ما کلیه نهادها و تشکلهای مختلف مدافع حقوق انسانی در سراسر جهان را فرا میخوانیم که بهر شکل ممکن نسبت به سرکوب وکلا، به سیستم قضائی جنایتکارانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی و به اعدام و

کمیته بین المللی علیه اعدام  
کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۷ دسامبر ۲۰۱۰

**گزارش از تظاهرات در حمایت از مبارزات دانشجویان و در اعتراض به اعدام شهلا جاهد و رژیم زن ستیز اسلامی در شهر مالمو ۷ دسامبر ۲۰۱۰**

به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - مالمو فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی- مالمو تظاهراتی در مرکز شهر مالمو برگزار شد. علی رغم هوای سرد و برفی دهها نفر به این فراخوان پاسخ گفتند و در این مراسم شرکت کردند و خشم و نفرت خود را از رژیم اعدام و شکنجه نشان دادند. در این برنامه پرچم هایی با تصویر شهلا جاهد و سکینه تهیه شده و در محل تظاهرات برافراشته شد که جلوه دیگری به این حرکت اعتراضی می داد. دو باندرول بزرگ که بر روی آنها نوشته شده بود "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، و "مرگ بر جمهوری اسلامی" توجه ها را به

خود جلب می کرد. کادرها و فعالین حزب کمونیست کارگری با پخش اعلامیه هایی در بین عابریین به آنها اطلاعاتی در مورد این روز و افشای جنایات جمهوری اسلامی در طول این ۳۱ سال می دادند. این تظاهرات با ترانه هایی که در محل پخش می شد علاقه و سمپاتی مردم را به خود جلب می کرد. حسن صالحی از کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به زبان سوئدی سخنرانی کرد و به گوشه هایی از جنایات جمهوری اسلامی چه در رابطه با اعدام و چه در رابطه با سرکوب و شکنجه مردم و به خصوص دانشجویان اشاره کرد و خواستهای مردم به پا خاسته ایران را

**ملاقات برونو مالاتیا وکیل ایتالیایی سکینه محمدی آشتیانی، مینا احدی، مریم نمازی و طاهر جعفرزاده با مقامات اتحادیه اروپا**

روز چهارشنبه ۸ دسامبر هیئتی از سوی کمیته بین المللی علیه سنگسار به همراه وکیل ایتالیایی سکینه محمدی آشتیانی آقای برونو مالاتیا، در بروکسل با هیئتی از دفتر رئیس پارلمان اروپا و همچنین با هیئت دیگری از دفتر خانم کاترین اشتون

مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار خواهند کرد در مورد اقدامات اتحادیه اروپا برای نجات سکینه محمدی آشتیانی [۱] فرزند او سجاد قادرزاد و وکیل سکینه آقای هوتن کیان و همینطور دو خبرنگار آلمانی گفتگو کنند. از دفتر رئیس پارلمان

نفر را شدت بخشیده و خواهان لغو رسمی و علنی حکم سنگسار و اعدام سکینه محمدی آشتیانی و آزادی فوری او و سجاد و هوتن کیان و دو خبرنگار آلمانی شوند. لازم به توضیح است که آقای برونو مالاتیا که آمادگی خود را برای وکالت سکینه اعلام کرده است، قصد دارد در صورتی که شرایط سفرش به ایران فراهم شود به ایران برود و کارش را روی

فراخوان همه مردم شریف و آزادیخواه را فرا میخواند که در روز پنجشنبه ۹ دسامبر در این تجمعات حضور بهم رسانیده و این حرکت را تقویت کنند. یک وجه سرکوبگری جمهوری اسلامی اذیت و آزار و دستگیری و تهدید دائم وکلای زندانیان است. ما کلیه نهادها و تشکلهای مختلف مدافع حقوق انسانی در سراسر جهان را فرا میخوانیم که بهر شکل ممکن نسبت به سرکوب وکلا، به سیستم قضائی جنایتکارانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی و به اعدام و

International Committee Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution (<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com) 0049-177-569-2413

کمک مالی به کمپین نجات سکینه را فراموش نکنید. لینک پی پل برای واریز کمک:

<http://countmein-iran.com/donate.html>

**شب همبستگی با سکینه محمدی آشتیانی! شنبه ۱۸ دسامبر**

تلاشمان برای آزادی سکینه و همه زندانیان اسیر دست حکومت جنایت پیشه اسلامی یاری کنند برنامه شامل یک خوشامد گوئی کوتاه و چند ساعت موزیک (دی جی) خواهد بود و کلیه درآمد حاصله از آن به کمپین سکینه محمدی آشتیانی اختصاص خواهد یافت.

کانادا  
تلفن تماس:  
Tel: 647-832-2664  
[besharat\\_nasrin@yahoo.com](mailto:besharat_nasrin@yahoo.com)  
زمان: شنبه ۱۸ دسامبر  
ادرس دقیق و مکان و زمان را به زودی به اطلاع همگان میرسانیم

کمیته بین المللی علیه سنگسار- واحد

**انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!**



## حمایت مردم آزادیخواه استکھلم از مبارزات دانشجویان و مردم ایران در ۱۶ آذر

امروز ۱۶ آذر برابر با ۷ دسامبر روز دانشجویان است. به همین مناسبت و همچنین در اعتراض به اعدام شهلا جاهد تظاهراتی در سطح خارج کشور از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام، حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست فراخوان داده شد. در استکھلم در یکی از میدانهای اصلی شهر مراسمی برگزار شد. علی رغم هوای سرد و برفی دهها نفر به این فراخوان پاسخ گفتند و در این مراسم شرکت کردند و خشم و نفرت خود را از رژیم اعدام و شکنجه و حکومت ضد شادی و ضد جوانان نشان دادند. از طرف سازمان عفو بین الملل الیزابت لوف گرن سخنرانی پرشوری کرد. وی در صحبتهایش در اشاره به اعدام شهلا جاهد از جمله به این نکته اشاره نمود که دستگاه قضایی حکومت ایران با کشتن خانواده های مقتولین به

لغو مجازات اعدام و لغو مجازات سنگسار است و از مبارزات دانشجویان حمایت میکند و خواهان سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی است. الیا تابش از فعالین سازمان جوانان کمونیست و محسن بغدادی از شرکت کنندگان در تظاهرات هر کدام به گوشه هایی از جنایات رژیم اشاره کردند و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی شدند. مجری برنامه اندیشع علیشاهی با صحبتها و شعارهایی که میداد جمعیت شرکت کننده را به شور و هیجان می آورد. تظاهرات در میان شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی سرنگون سرنگون پایان یافت.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- واحد استکھلم-۱۶ آذر ۱۳۸۹



تخاصم است که از چوبه های دار و حرفه های سنگسار نیروی بقا می گیرد. دفاع از این کودکان که بطریق اولی نمیبایست در یک دادگاه متعارفی محاکمه می شدند و توجهی که مطرح شدن این پرونده ها و واکنش رسانه ها و سازمانهای مدافع حقوق کودک و حساسیتی که دنیای متمدن به این وحشیگری ها نشان میدهد به مشروعیت و وجهه پرچمدار اسلام سیاسی لطمه میزند. دفاع از حقوق کودک امری به این سادگی را لاجرم به مسئله ای بغرنج و سیاسی برای رژیم بدل می کند و فعالیت یک وکیل برای دفاع از موکلش را تهدیدی برای امنیت نظام!

یکی از جرائم نسرین دفاع از حقوق کودکان بی سر و پایی است که ظاهراً کسی نباید برایشان دل بسوزاند. از نظر جانوران اسلامی این قابل قبول نیست. نسرین را که خود وکیل است از ملاقات وکیلش محروم کرده اند. نسرین را که فعال حقوق کودک است از ملاقات با کودکان خودش محروم کرده اند. وی تنها برای اولین بار در تاریخ سیزدهم آبانماه ۱۳۸۹ (چهارم نوامبر ۲۰۱۰)

اجازه یافت دو فرزند کوچک، سه و یازده ساله و همچنین مادر و خواهرش را برای مدت بسیار ناچیزی ملاقات نماید. نسرین ستوده در اعتراض به بازداشت خود و رفتار غیر انسانی بازجویان در زمان حبس و شکنجه های طاقت فرسا و بازجویی در بند ۲۰۹،



### صدای نسرین ستوده باش!

نگذار صدایش را خاموش کنند

نسرین ستوده وکیل دادگستری، فعال اجتماعی، عضو کانون مدافعان حقوق بشر، فعال جنبش زنان و فعال حمایت از کودکان است. نسرین وکیل مدافع تعدایی از زندانیان سیاسی و مشخصاً کودکان محکوم به اعدام بوده است. نسرین بارها بخاطر فعالیتهای حقوقی اش مورد تهدید قرار گرفته بود.

نسرین ستوده در سیزدهم شهریور ۱۳۸۹ (چهارم سپتامبر ۲۰۱۰) به دادرسی ویژه زندان اوین فراخوانده شد. نسرین از نظر نظام سیاسی و قضایی رژیم اسلامی جرایم بزرگ و متعددی مرتکب شده است. البته هیچ اتهام رسمی مشخصی را مطرح نکرده اند. همان فرمولبندی و کلیشه رنگ و رو باخته و بی آبرو.

### اتهام؟

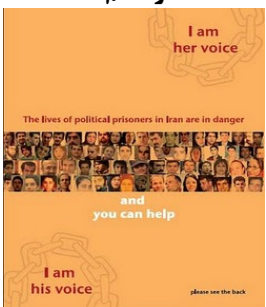
تبلیغ بر علیه و اقداماتی که به امنیت نظام لطمه می زند. البته خودشان هم این را جدی نمیگیرند. این کلیشه نخ نما معمولاً در همین سطح تار و پود باقی میماند و وارد جزئیات نمی شود. کدام تبلیغ و کدام رابطه با امنیت و کدام نظام؟

اما "جرایم" واقعی نسرین را ما و همراه با ما، همه مردم ایران به خوبی میشناسند. نسرین فعال حقوق بشر است. نسرین وکیل و حقوق دان هم

سایر زندانیان سیاسی از روز دوشنبه پانزدهم آذر ماه اعلام کرد مجدداً برای بار دوم دست به اعتصاب غذای خشک خواهد زد! او اعلام کرد در اعتراض به وضعیت بازداشت خودش و دیگر زندانیانی که با احکام ناعادلانه در زندان به سر می برند تا رسیدن به خواسته های هایش اعتصاب غذای خشک را مجدداً از سر میگرد!

نسرین ستوده باید بیدرنگ آزاد گردد و تحت مراقبتهای ویژه پزشکی قرار گیرد! صدای نسرین باش! نگذار صدایش خاموش شود! ۸ دسامبر ۲۰۱۰ - ۱۷ آذر ۱۳۸۹

### کارت پستال کارزار "من صدای او هستم"



زندان اوین، اقدام به اعتصاب غذا نمود. در تماسهای تلفنی کوتاهی که نسرین با همسرش داشت پیش از آنکه ارتباط تلفنی را برای حفظ "امنیت" نظام لرزان قطع کنند نسرین گفته بود که از سپتامبر و در اعتراض به اسارتش، در اعتراض به پرونده مسخره ای که برایش ساخته اند در اعتصاب غذا بوده است.

پرونده نسرین را هیچ کس، حتی وکیلش هم ندیده است اما ما تردیدی نداریم که بزرگترین جرمی که به نسرین میتوانست نسبت بدهند، انسان بودن است. صدای نسرین که به دلیل اعتصاب غذای طولانی و ضعف جسمی لرزان را در آخرین تماس تلفنیش پس از چند لحظه کوتاه قطع کردند.

نسرین و وکلای مدافعش در دو جلسه دادگاه، به حکم ناعادلانه قرار بازداشت اعتراض کردند و خواهان لغو این حکم گردیدند، اما قاضی پرونده حکم قرار بازداشت را مجدداً تصدیق کرد.

در پی این اقدام و در اعتراض به انواع بدرفتاری و خشونت علیه خودش و



## تجمع اعتراضی کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان

۲۷ ماه دستمزد کارگران پرداخت نشده است!

روز پانزدهم آذر ماه، کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان در اعتراض به عدم پرداخت ۲۷ ماه دستمزد خود برای دومین روز متوالی در مقابل فرمانداری کاشان تجمع کردند. کارگران این شرکت برای نقد کردن دستمزدهای خود طی این مدت بارها و بارها به اشکال مختلف دست به اعتراض زده و با اتکا به همین اعتراضات و مبارزات توانسته اند هر از چند گاهی بخش ناچیزی از طلبهای خود را وصول کنند. تحت فشار همین مبارزات کارفرما قبول کرد که علی الحساب هفته ای هشتاد هزار تومان از دستمزد پرداخت نشده کارگران را بپردازد. اما در عمل این مبلغ به چهل هزار تومان در هفته کاهش یافت. اکنون کارفرما به بهانه اینکه کارگران علییه کارفرمایان جمعاعات اعتراضی برپا کرده اند و مبارزات آنان آنچنان انعکاسی داشته که خبر آن حتی در صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شده است، از پرداخت همان مبلغ ناچیز هفته ای چهل هزار تومان نیز که وعده داده بود، سرباز میزند. در تجمع روز پانزدهم آذر

کارفرمایان شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان مجدداً با وعده پرداخت بخشی از طلبهای کارگران تلاش کردند، بطور موقت آتش مبارزات کارگران را خاموش سازند. حسینعلی حاجی معاون استاندار و فرماندار ویژه کاشان، در پی گسترش دامنه اعتراضات کارگران اعلام کرد چهارصد میلیون تومان به شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان پرداخت خواهد گردید تا این مبلغ در دو نوبت به کارگران پرداخت گردد. او خود اذعان داشت که این مبلغ تنها کفاف سه هفته دستمزد کارگران را میدهد. وی همچنین وعده داد در هر مرحله و بصورت هفتگی مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان بابت حقوق هفتگی به کارگران این شرکت پرداخت گردد. کارگران ریسندگی و بافندگی کاشان خواهان پرداخت بدون کم و کاست همه طلبها و سایر مزایای پرداخت نشده خود هستند. نپرداختن دستمزدها یک جنایت آشکار علیه کارگران و خانواده هایشان است و باید با مبارزات و اعتراضات متحد و سراسری پاسخ بگیرد. کارگران ریسندگی و بافندگی

## تجمع مجدد کارگران ریسندگی خاور رشت

به دنبال عدم تحقق وعده های داده شده به کارگران ریسندگی خاور رشت، روز شنبه ۱۳ آذر کارگران ریسندگی خاور در اعتراض به ۹ ماه دستمزد پرداخت نشده خود و عدم اجرای وعده های داده شده از سوی کارفرما از ساعت ۸ صبح مقابل اداره صنایع و معادن رشت تجمع نمودند و این تجمع

## تلویزیون کانال جدید را تماشا کنید به دوستان خود معرفی کنید، به آن کمک مالی کنید!

کانال جدید صدای مردمی است که می خواهند از این زندگی سیاه و فلاکتبار خلاص شوند. کانال جدید صدای مبارزه برای سرنگونی حکومت دزدان میلیاردی و آدمکشان حرفه ای است. کانال جدید، ابزار کارگران، زنان، جوانان و همه مردم محروم برای متحد شدن، متشکل شدن و سازمانگری و انقلاب علیه نظام کثیف سرمایه داری اسلامی است. کانال جدید مدافع پر و پا قرص سوسیالیسم یعنی آزادیخواهی، عدالت، برابری و یک زندگی انسانی است. این کانال



nctv.tamas@gmail.com

به کانال خود کمک مالی کنید. با ما تماس بگیرید تا شما را برای ارسال کمک مالی راهنمایی کنیم. اما اگر دوست و آشنایی در خارج کشور دارید ساده ترین راه، ارسال کمک از طریق آنها است.

مرگ بر حکومت نکبت اسلامی زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی زنده باد سوسیالیسم

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

http://www.countmein-iran.com

## سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

## کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC  
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900  
Account #: 84392 00269 13

## هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

## آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, WA 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
, Bank: NatWest branch: Wood Green  
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج  
۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

## تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته

سازمانده

۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127  
02 Skärholmen -  
Sweden

## کمونیسم کارگری شماره ۲ منتشر شد



... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

## وضعیت رضا شهبابی بسیار اضطراری است از فراخوان خانواده رضا شهبابی وسیعا حمایت کنیم

ما از همه اتحادیه های کارگری در سراسر جهان میخواهیم که از فراخوان خانواده رضا شهبابی در حمایت از او با تمام قدرت حمایت کنیم.

هم اکنون رضا شهبابی، منصور اسانلو، ابراهیم مددی، غلامرضا غلامحسینی و مرتضی کمسری از اعضای سندیکای شرکت واحد و بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و دفاع از حقوق کودک در زندان، برای آزادی فوری این کارگران از زندان و لغو پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری و متوقف شدن فشار بر روی این کارگران نیاز به اقدامی

او حتی برای ملاقات با خانواده اش قادر به حرکت نبوده و با کمک دو هم بندی اش و در حالی که وی را کشان کشان راه میبرده اند، به کابین شیشه ای مکالمه آورده شده است. در روزهای پیش نیز رضا در اثر ضعف شدید جسمی بارها زمین خورده و دچار کوفتگی شده است، بطوریکه یک پای او آسیب دیده و میلنگد.

در رابطه با این موضوع خانواده رضا شهبابی نامه ای خطاب به کارگران و تمام نهادهای حقوق بشری داده و خواهان حمایت و پشتیبانی شده اند. متن این نامه ضمیمه است.

به اتحادیه های کارگری و تمام انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان

اطلاع دارید که رضا شهبابی عضو سندیکای شرکت واحد عضو هیات مدیره سندیکای واحد اکنون ۶ ماه است که در زندان بسر میبرد. او اکنون در اعتراض به ادامه بازداشت خود در زندان و شکنجه و فشارهایی که در زندان به وی وارد شده است، ۶ روز است که در اعتصاب غذای خشک بسر میبرد و وضعیت جسمی وی بسیار وخیم است. بنا بر اخبار،



رضا شهبابی و سایر زندانیان سیاسی تحت فشار قرار دهند و بخواهند که دست از تهدید و دستگیری و اذیت و آزار فعالین کارگری و دیگر فعالین جنبش های حق طلبانه بردارند.  
کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۹ دسامبر ۲۰۱۰، ۱۸ آذرماه ۱۳۸۹

### کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla\_daneshfar@yahoo.com شهلا دانشفر  
00447779898968

bahram\_soroush@gmail.com بهرام سروش  
0044-7852 338334

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>



ابراهیم مددی

منصور اسانلو



غلامرضا غلامحسینی



رضا شهبابی



بهنام ابراهیم زاده

مرتضی کمسری

علی اکبر نظری

### متن نامه خانواده رضا شهبابی:

به: کارگران، تشکل های کارگری، نهادهای حقوق بشری و رسانه ها

غذای خشک چه صدمات دیگری بر او وارد خواهد شد  
بدینوسیله از تمامی کارگران تشکل های کارگری نهاد های حقوق بشری و رسانه ها و تمامی وجدان های بیدار خواستاریم برای آزادی بی قید و شرط رضا شهبابی و همکاران زندانش و دیگر کارگران زندانی از هیچ کوششی فروگذار نکنند

همسر برادران و اعضای خانواده ی رضا شهبابی  
پنجشنبه ۱۸ آذرماه ۸۹

همزمان یک ابلاغیه برای وثیقه ی صد میلیون تومانی به امضای رضا رسانده اند. همچنین هر دو مقام قضایی معرفی شده به ما از در دست داشتن پرونده ی قضایی رضا شهبابی اظهار بی اطلاعی میکنند  
رضا شهبابی به مدت شش ماه است که به دلیل دفاع از حقوق کارگران در زندان محبوس است

دو ماه است که با وجود صدور نامه ی آزادی هنوز در بند است و اکنون نیز سلامت او در معرض خطر جدی قرار دارد و ما نمیدانیم در اثر اعتصاب

همانطور که میدانید رضا شهبابی، کارگر زندانی محبوس در بند ۲۰۹ زندان اوین از روز شنبه ۱۳ آذرماه ۸۹ دست به اعتصاب غذای خشک زده است و با توجه به بیماری های عدیده پیشین و نیز بیماری هایی که در دوره ی شش ماهه ی زندان به آن دچار شده است سلامت جانی وی شدیداً در معرض خطر است.

در حالی که در ۱۹ مهرماه نامه ی آزادی وی صادر شده و ما برای آزادیش وثیقه ی ۶۰ میلیون تومانی تودیع کرده ایم، از طرفی هم به طور

### در حمایت از کارگران زندانی بمیدان بیاییم!

رضا شهبابی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد گردند!

ساخته است. شما در جریان کمپین نجات سکینه توانستید بیش از پیش ماهیت جنایتکار رژیم و دستگاه قضائی و روش های غیر انسانی آن را عریان در مقابل مردم جهان قرار دهید و بی آبرو تر کنید. میتوان و باید برای نجات زندانیان سیاسی، در حمایت از کارگران زندانی و در حمایت از رضا شهبابی بمیدان آمد. به هر نحو که می توانید به حمایت از زندانیان سیاسی برخیزید. از اعتراضاتی که برای آزادی کارگران و همه زندانیان سیاسی صورت میگیرد، حمایت کنید. از کمپین برای آزادی کارگران زندانی، حمایت کنید!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ آذر ۱۳۸۹، ۹ دسامبر ۲۰۱۰

کارگری و افزایش فشار به آنها، قصد مهار جنبش کارگری را دارد. باید این سیاست رژیم را خنثی کنیم. هم اکنون رضا شهبابی از فعالین سندیکای شرکت واحد در موقعیت دشواری قرار دارد. شش روز از اعتصاب غذای خشک او میگذرد. برای آزادی رضا شهبابی و همه فعالین کارگری، برای آزادی همه زندانیان سیاسی بمیدان بیاییم.

مردم آزاده، ایرانیان مقیم خارج! قدرت شما در خارج کشور یک نیروی تعیین کننده در معادلات سیاسی ایران است. جمهوری اسلامی ایران را میتوان زیر فشارهای بین المللی بزانو در آورد. زمینه آن مهیا است. حکومت اعداام و شکنجه و زندان بیش از پیش در انتظار مردم جهان آبرو

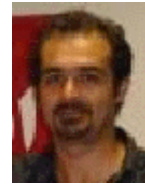
جمهوری اسلامی ایران با زندان و شکنجه و اعدام روی پا مانده است. اعتراضات مردم را با قضاوتی که مختص جانین اسلامی است سرکوب میکند و فعالین سیاسی را بزندان می اندازد. هزاران نفر از مردم معترض و فعالین جنبش های کارگری، دانشجویان، زنان و کودکان ومدافعین حقوق مدنی مردم در زندانهای رژیم تحت فشار هستند. باید با اقدامات وسیع بین المللی به حمایت از زندانیان سیاسی برخیزیم.

جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جنبش کارگری و فلج کردن آن، مدتی است که دستگیری وسیع فعالین و رهبران کارگری را در دستور قرار داده است. با زندانی کردن فعالین

### زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



## ۱۶ آذر "پر التهاب" و "برزنتی" کردن جامعه هادی وقتی



جمهوری اسلامی باز هم توانست به مدد سرکوب و خونریزی و توحش خودش ۱۶ آذر امسال را پشت سر بگذارد و هنوز روی کار باشد. رژیم در روزهای قبل از ۱۶ آذر، با تهدید و دستگیری برخی از دانشجویان و سازماندهی يك فضای امنیتی - نظامی تمام و کمال به استقبال این روز رفت. از اول صبح روز ۱۶ آذر نیروهای انتظامی و گله های لباس شخصی اش را در تمام خیابانهای اطراف دانشگاه تهران مستقر ساخت و تلاش کرد با کشیدن برزنت سیاه و ضخیمی دور تا دور دانشگاه مانع مشاهدات مردمی شود که قرار بود وحشیگری و بگیر و ببند احتمالی داخل دانشگاه را به نظاره بنشینند و مهم تر اینکه از پیوستن مردم به دانشجویان می ترسید. تمام رسانه ها و خبرگزاریهای رسمی جهان، حال و هوای اطراف دانشگاه تهران را در این روز "پر التهاب" و امنیتی توصیف کردند. رژیمی که بیشتر از یکسال است در ترس و وحشت هرروزه سرنگونی بسر می برد، احمقانه گمان می کند می تواند با این دست و پا زدن ها خود را از خطر انقلاب برهاند.

در مقابل و علیرغم برقراری يك حکومت نظامی تمام عیار و تهدید به سرکوب و بگیر و ببند، مردم و دانشجویان آرام ننشستند. در روزهای قبل از ۱۶ آذر مردم در وسعت کم نظیری از ابتدای شروع انقلاب تا کنون، بر بام خانه ها رفتند و همصدا و همراه با دانشجویان فریاد "مرگ بر دیکتاتور" را با خشم و نفرت هرچه بیشتری فریاد زدند.

### برای آزادی دو ژورنالیست آلمانی باید اعتراض کرد و به خیابان آمد!

در حالیکه جمهوری اسلامی با بیشرمی تمام و حتی با زیر پا گذاشتن ساده ترین عرفهای بین المللی، دو خبرنگار روزنامه بیلد ام سونتاک در آلمان را بخاطر تماس با پسر و وکیل سکینه دستگیر کرد، به آنها اتهام جاسوسی زد و آنها را در سلول های انفرادی محبوس کرد، آنها را تحقیر نمود و به مصاحبه تلویزیونی کشاند و حتی آنان را از ملاقات و تماس تلفنی با خانواده شان نیز محروم کرد، چهار

جهان تحمیل کرده، هم اکنون به مدد فناوری ارتباطات و کاربرد آگاهانه آن از سوی مردم و جوانان ایران، بطور عمیقی نورافشانی شده اند. انقلاب ابزارهای سرکوب و تحمیل رژیم را از کار انداخته است و دیگر برافراشتن برزنت های سیاه، سرکوب و بگیر و ببند و شکنجه، اعدام و سنگسار و تحمیل عقب مانده ترین قوانین مذهبی، مانع افشای ماهیت وحشی و جنایتکارانه رژیم اسلامی نیست.

خبرگزاری های رسمی و مهم جهان حال و هوای اطراف دانشگاه تهران را در روز ۱۶ آذر "پر التهاب" توصیف کرده اند. بیشتر از یکسال است که مردم، کارگران، زنان و جوانان ایران همچنان در جستجوی فرصتی برای بزرگترین حاکمیت اسلامی و یافتن آلترناتیوی جایگزین این رژیم، در التهاب بسر می برند. انقلابی که هنوز پیروز نشده اما توانسته است در روند پیشروی اش، روزیروز خواسته های خود را روشن تر و شفاف تر کند. تمام دم و دستگاه سرکوب و کشتار رژیم اسلامی را عقب براند و ضعف راهی جز دست زدن به احمقانه ترین تکاپوها بخیل تحمیل دوباره مردم دنیا. جمهوری اسلامی بیشتر از یکسال است تلاش می کند با ایجاد فضای سرکوب و ارباب و "برزنتی" کردن جامعه، مانع از رسیدن صدای آزادیخواهی و برابری طلبی مردم ایران بگوش جهانیان شود و باینحال، عقب مانده ترین مقامات و دست پرورده های این حکومت هم بخوبی می دانند که این دست و پا زدن ها و چنگ و دندان نشان دادن ها دیگر چاره خلاصی جمهوری اسلامی از "قتله" های متعدد نیست! جمهوری اسلامی به پایان کار رسیده است. تمام دزدی ها و جنایاتی که رژیم اسلامی سی سال به مردم ایران و

است.

سوال ما مشخصا از مسئولین روزنامه بیلد ام سونتاک و اکثر رسانه های آلمانی این است که چرا در مقابل این گروگانگیری آشکار جمهوری اسلامی، اینچنین دست به عصا راه میروند و حتی حاضر به اسم بردن از دو خبرنگار آلمانی نیستند؟ چرا مردم را به اعتراض فرامیخوانند؟ مردم آلمان و سایر کشورها در این مدت آمادگی خود را برای اعتراض به سیاست های جنایتکارانه جمهوری اسلامی نشان دادند، سوال از مسئولین این روزنامه این است که چرا بجای فراخوان به

## گزارشی تصویری از آکسیون بمناسبت ۱۶ آذر در لندن مقابل سفارت جمهوری اسلامی



مردم ایران را فرا می خوانیم تا برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه ای شاد و آزاد و عاری از دخالت مذهب در قوانین، حکومت، آموزش و پرورش، سیستم قضایی و ... در این حزب متشکل شوند. \*

گشاد آیت الله های میلیاردرش را در گوشه و کنار جهان پر کرده است. تمام این خواسته ها و آرمان های انسانی مردم ایران در برنامه "یک دنیای بهتر" حزب کمونیست کارگری ایران نمایندگی می شوند. ما تمام دانشجویان، جوانان، زنان، کارگران و

مردم، به دنبال روی از دیپلماسی پشت پرده و بند و بست دولت آلمان با جمهوری اسلامی پرداخته اند؟ باور کنید اگر در این دو ماه بجای این سیاست، اقدامات اعتراضی را در دستور گذاشته بودید اکنون خبرنگاران در خانه های خود بودند و یا نیروی گسترده ای در سطح جهان به حمایت از آنها بسیج شده بود و جمهوری اسلامی را نهایتا وادار میکرد که با خفت و خواری عقب بنشیند و آنها را آزاد کند. دیپلماسی سکوت و پشت پرده ای در مقابل حکومت سفاک و رذل اسلامی راهش نیست.

کمیته های بین المللی علیه اعدام و سنگسار از مسئولین این روزنامه، از خبرنگاران و از مردم شریف آلمان و سایر کشورها می خواهد قاطعانه برای آزادی فوری این دو خبرنگار و برای آزادی سکینه، سجاد و هوتن دست به اعتراض بزنند. باید به خیابان آمد و ضمن انتقاد به سیاست مماشات دولت آلمان با جمهوری اسلامی، به اعدام و سنگسار و سایر جنایات جمهوری اسلامی اعتراض کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام کمیته بین المللی علیه سنگسار ۲۰۱۰ دسامبر



## پرونده ای که بسته نشد!

سخنی با شهلا جاهد



مینا احدی

امروز میخواهم برای خودت و تنها برای خودت حرفهای دلم را بنویسم. امروز میخواهم بگویم که چقدر متنفرم از آنهایی که ترا کشتند. چقدر متنفرم از حکومتی که ترا به اینجا کشاند، و چقدر متنفرم از همه کسانی که ترا و زندگی کوتاه ترا با درد و غم و عذاب و ناراحتی فراوان اشباع کردند و بویژه در یک سحرگاه خونین در حالیکه نا باورانه به طناب دار و به چشمهای آنهایی که در تو ترا گرفته بودند، نگاه میکردی و باور نمیکردی که کسانی حاضر باشند، ترا بکشند... صندلی را از زیر پای تو کشیدند، و دیگران در سکوت و با بغض این صحنه را دیدند و کسی چیزی نگفت و کسی فریادی نزد و کسی این صحنه فجیع آدمکشی را بهم نزد. حتما فکر میکردی همه چیز یک خواب و یا کابوس است، چقدر تنها بودی، مثل یک پرند کوچک که اسیر دستهای یک شکارچی قسی القلب است. ترا کشتند... این یک فاجعه و تراژدی است و متأسفانه در سرزمین تو و من، این تراژدی سالها است که تکرار میشود... و قیل از این قتل نیز، اسیر دستهایشان بودی و به هر دری میزدی و هر تقلائی که توانستی کردی تا به آنها بگویی که تو قربانی یک بند و بست و تسانی پشت صحنه شده ای... تو هر آنچه در توان کردی بکار بردی، اما معضل این بوده و هست که حکومت، حکومت قاتلین است و مردان حاکم با مردان قاتل و یا سازمان دهندگان قتل لاله سحر خیزان، تسانی و همراهی کردند... در آغاز از تو "اقرار" گرفتند و در پایان طبق قانون فضیص قصاص اشان به همراه خانواده مقتول، چهارپایه را از زیر پای تو کشیدند. شهلا ترا کشتند. به فرمان خامنه ای و لاریجانی برای زهر چشم

گرفتن از کسانی که در ایران و در دنیا علیه این حکم اعدام جنگیدند و هشت سال، باعث شدند که شمشیر در دستهای آنها یخ بزند. ترا کشتند تا بگویند زنان نا فرمان و عاصی در ایران حساب دستشان باشد، تا بگویند که حکومت مرد سالار است و دست در دست محمد خانی ها تسانی میکند و یک زن سنت شکن را قربانی میکند تا از حکومتشان، از مرد سالاری اشان و از کثافت اشان دفاع کنند. ترا کشتند تا از اعدام دفاع کنند. تا بگویند قاضی صلواتی و قاضی خونریز و قاضی جلا، میتوانند به شغل آدمکشی اشان ادامه دهند و سپاه پاسداران و دسته های تروریست اسلامی حاکم بر ایران بچاپند و میلیاردها ثروت بیاندوزند و زیر چتر اسلام و خدا، و خامنه ای و شرکا، زندگی را بر مردم ایران از این بیشتر جهنم کنند. ترا گرفتند و ۱۱ ماه عذاب دادند، هر بلایی که میتوانستند بر سر یک زن، یک زن عاصی و سنت شکن، آوردند. جای سیگارهایی که بر تن و بدنت خاموش کرده بودند سالها بعد باقی بود. جای شکنجه ها و جای توهین های مداوم بر تو بدلیل زن بودن، این زخم های عمیق روحی و جسمی هیچگاه ترا تنها نگذاشت. اولین مصاحبه ات هشت سال قبل در مقابل دوربین، تصویر یک زن در هم شکسته را نشان میدهد که میکوشد، پاسخ هایی را بدهد که آنها از تو میخواستند. میخواستند بگویند اشتباه کردی "وارد زندگی یک مرد" شدی، میخواستند بگویند که تو مقصر هستی اگر "قهرمان فوتبالشان" به همسرش دروغ میگفتی و یک رابطه مخفیانه چهار سال و نیمه با تو داشت و البته معلوم نیست با چند نفر دیگر روابط مخفیانه داشت. برای "این قهرمان ملی اسلامی" که میتوانست بدلیل جنسیت اش چهار زن رسمی و صدها زن صیغه ای داشته باشد، حرجی نبود. این تو بودی که بعنوان یک زن سنت شکسته بودی و دنبال عشق و عواطف خود رفته بودی و اینرا هم باید در مقابل دوربین تلویزیون رسمی "برادران حزب الهی محمد خانی" پاسخ میدادی پاسخ مورد درخواست آنها... اما حتی در آن مصاحبه، نمیتوانستی همه حرفهای آنها را تکرار کنی و کمی از

خودت و از فکر و عقاید و عواطفت میگفتی... همیشه میخواستم به تو بگویم حق با تو بود... حق با تو بود اگر با کسی زندگی میکردی که به او علاقه داشتی، حق با تو بود اگر سنت می شکستی و حق با تو بود اگر به خودت به عنوان یک زن و یک انسان احترام قائل بودی.. حق با تو بود اگر اعتماد به نفس داشتی و حق با تو بود اگر با آنها و با فرهنگشان بیگانه بودی و بیگانه ماندی ... دو روز است که جلادان سعی میکنند دستهای خونین خود را شسته و اعلام کنند، داستان تمام شد. در اطلاعیه های پی و در پی که در این دو روز صادر کرده اند گفته اند... پرونده بسته شد... قاتل به سزای اعمالش رسید" و یک داستان نه ساله تمام شد. تو گویی همه ما یک فیلم را نگاه میکردیم و مسئولین سینما اعلام میکنند که فیلم تمام شد. نخیر من این طرف خط اعلام میکنم که پرونده ابدًا بسته نشده، فیلم تمام نشده و از مردمی که این واقعه را نگاه میکنند، از همه کسانی که بغض کرده و اشک ریختند و همه میلیونها نفری که سببیت و وحشیگری کامل یک حکومت را با این قتل و وحشیانه دیدند، میخواهم که بیش از پیش وارد صحنه فیلم بشوند. آخرین صحنه ها را ما بازی میکنیم. ما مردمی که در صحنه نشستیم ایم و تا همین امروز نیز، لحظاتی از این فیلم را ما بازی کرده ایم.. ما هشت سال است که نگذاشتیم ترا در سکوت بکشند، ما باعث شدیم بگویند افکار عمومی متشنج است و سه بار برنامه اعدام را به هم زدیم... چهارشنبه ترا کشتند، در حالیکه به افکار عمومی دروغ گفته و جا خالی داده بودند، گفته بودند که اجرای حکم به تعویق افتاده و از آنطرف خانواده مقتول را از دبی آورده و همه چیز را آماده کرده بودند... مخفی کاری روزهای آخرشان از ترس ما بود... تماشاگران وارد صحنه میشوند و وحشت قاتلین از همین است. هنوز هم معلوم نشده که چه کسی لاله سحرخیزان را کشت. اینرا حتی اعوان و انصار حکومتی اعلام میکنند. جلادی که ترا پای چوبه دار برده، زیر لب زمزمه کرده که بجای تو باید محمد خانی اینجا می ایستاد... آیا

این هیاهو را میتوان با یک اطلاعیه دادسرای تهران فیصله یافته تلقی کرد. زمزمه ها بلند است صحبت از دست داشتن باندهای حکومتی در این قتل در میان است، صحبت از پول کلان و دعوا بر سر پول در میان است، صحبت از هم خوابگی با مقتول و یا تجاوز به او در میان است، صحبت از حضور مردانی در صحنه قتل در میان است و صحبت از رازی که تو با خود بردی .... یک راز را با خود بردی.. اینرا وکیل تو به رسانه ها گفت و منم خبر دار بودم که یک رازی را با خودت همراه داری، آیا نمیتوانستی پای چوبه دار سکوت را بشکنی، این چه رازی بود که نگفتی و سر به دار سپردی ... روزی باید در مورد زندگی تو، در مورد نه سال زندانی بودن، در مورد ۱۱ ماه شکنجه هایی که تحمل کردی و در مورد روزهای آخر زندگیت، در مورد قول و قرارهایی که محمد خانی به تو داد و از تو خواست که قتل را به عهده بگیری، در مورد قول آخری که داد و گفت در پای صحنه اعدام جلوش را میگیرم در مورد همه اینها باید تحقیق کنیم و حقایق را کشف کنیم.. شاید نامه ای نوشته ای و به کسی داده ای، شاید وصیتی کرده ای... آنچه که مهم است اینکه تو فردی استثنایی بودی... در مورد شخصیت تو و در مورد تصمیمات تو و در مورد شجاعت تو در روزی که خبر اعدامت را شنیدی، در مورد رفتار جلادان و دستگاه جنایتی به اسم حکومت اسلامی در مورد همه اینها باید فیلمی ساخته شود و بشریت با دیدن این فیلم، به عمق و کراخت ضد زن بودن این حکومت و به عمق و کراخت جنایتکار بودن اینها پی ببرد. اینرا به تو قول میدهم. ما نمیگذاریم جمهوری اسلامی آب خوش از گلوش پایین برود. من همین جا اعلام میکنم پرونده تو بسته نشده و ما

نمیگذارم این تراژدی فراموش شود. درست مثل زندگی ثریا-م که داستان زندگیش فیلم شد و میلیونها نفر دیدند، باید در مورد زندگی تو هم فیلم ساخته شود و میلیونها نفر ببینند و فراموش نکنند ... شهلا! من به تو یک پاسخ بدهکارم، چرا گذاشتیم طناب دار را بر گردنت بیاندازند و چرا یکپارچه به پا نخواستیم... وقتی برای خدا حافظی به من زنگ زدی، بغضم ترکید... و این بدترین کاری است که من میتوانم در مقابل زندانی محکوم به مرگ بکنم. ما باید بجنگیم و دنیا را بر سرشان خراب کنیم... اینرا به تو قول میدهم. برای نجات هم سلولی های تو در اوین و همه محکومین به اعدام در زندانهای ایران... خبر قتل سبانه ترا در زندانهای ایران جار زده اند و امروز تعداد زیادی به من زنگ زدند، محکومین به اعدام از زندانهای مختلف... که صدایشان ضعیف و اندوهگین بود و هیچ نمی گفتند، فقط میخواستند به من سلام کنند ... روی سخنم با همه سازمانهای سیاسی است، با همه نهادهای مدافع حقوق انسان، با همه مخالفین اعدام، با همه زنان و مردان آزاده، صبر شکیبایی و "ارزیابی" و "بررسی" کافی است. باید دنیا را بر سرشان خراب کنیم. این برای شهلا دیگر فایده ای ندارد... اما برای قلبهایی که هم اکنون در سلولهای مرگ نشسته اند و لحظه شماری میکنند میتوانند نجات دهنده باشد. دیگر بهر قیمتی شده نباید گذاشت خون بریزند... اینرا ما به همه آنهایی که قتل اشان را تدارک میبینند بدهکاریم ... مینا احدی، کلن، ۳ دسامبر ۲۰۱۰

minaahadi@aol.com  
00491775692413  
Mina Ahadi

### انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!